

کتاب «رضای انقلاب» خاطرات حجت الاسلام رضا مطلبی به نویسندگی سعید فخرزاده در انتشارات سوره مهر به چاپ رسید. این کتاب به زندگی و شرح حال یکی از دلباختگان فکری امام خمینی (ره)، روحانی فاضل و مردمی، حجت الاسلام حاج شیخ رضا مطلبی می‌پردازد که نقش مؤثری در انقلاب اسلامی داشته است.

او روحانی اهل اصفهان است که قبل از انقلاب در محله‌ای

«رضای انقلاب» منتشر شد

آذری نشین به‌عنوان امام جماعت مسجد فلاح که بعدها به مسجد جامع ابوذر تغییر نام داد، منصوب و مشغول فعالیت شد، با فعالیت‌های اومسجد ابوذر خیلی‌زود به پایگاه طرفداران امام و انقلاب تبدیل شد و پس از پیروزی انقلاب نقش مهمی را در انسجام نیروها و حفظ نشاط سیاسی در جنوب غرب تهران و حمایت از نظام در عرصه‌های مختلف به عهده گرفت.

مصاحبه با راوی توسط سعید فخرزاده و حمید قزوینی از ۵۵۵

فطر در نگاه و بیان شاعران پارسی‌گوی

هلال عید در ابروی یار باید دید

شد روزه و تسبیح و تراویح به یک جای عید آمد و آمد می‌و معشوق و ملاهی چون ماه همی جست شب عید همه خلق من روی تو جستم که مرا شاهی و ماهی...

رمضان پیری بس چایک و بس باخردست

فرخی سیستانی، شاعر مشهور سبک خراسانی هم به این مناسبت قصیده استواری دارد که خواندن چند بیتنی از آن را توصیه می‌کنیم؛ رمضان رفت ورهی دور گرفت اندر بر خنک آن کو رمضان را بسزا برد بسر بس گرمی بود این ماه ولیکن چکنم رفتنی رفته به روی نهاده بسفر سبکی کرد و بهنگام سفر کرد و برفت تا نگویند فروهشت بر مالنگر رمضان پیری بس چایک و بس باخردست کار بخرد همه زیبا بود و اندر خور رمضان گر بشد از راه فراز آمد عید سروده است:

عید فرخنده ز ماه رمضان فرخ‌تر... باز از شاعران این دوران، شاعر جوانمرد و بسیار بااستعداد یعنی منوچهری دامغانی درباره فطر سروده است: ماه رمضان رفت و مرا رفتن او به عید رمضان آمد، المنة لله آنکس که بود آمدنی آمده بهتر و آنکس که بود رفتنی او رفته بده به برآمدن عید و برون رفتن روزه ساقی بدهم باده، بر باغ و به سبزه... نمونه‌ای از دیگر شاعران دوره‌های نخست شعر فارسی که در این مضمون شعر گفته است، امیرالشعرای معمری است که در قرن ششم سرود: عید با کوهیکه خویش درآمد به جهان وز جهان با سپه خویش برون شد رمضان در همین دوران کمال اسماعیل، شاعر اصفهانی اینچنین با موضوع فطر مضمون یایی کرده است: عید آمد و ساز پارسیی بشکست گل نیز چو روزه رخت بخواهد بست

برگیر و دهل می‌زن کان ماه پدید آمد

با رواج یافتن ادبیات عرفانی در شعر فارسی، این مضمون پرتکرارتر شد و جنبه معنوی و نمادین آن بیشتر مورد توجه قرار گرفت. عارف شهید نیشابور شیخ فریدالدین عطار نیشابوری هم در قصیده‌ای باردیف روزه سروده است: مکن مدار برای من ای پسر روزه که کرد عارض سیمین تو چو ز روزه ز ماه روزه چو کاهی شد ای پسر ماهت چگونه ماهی، ماهی بود به سر روزه... تا آنجا که به این پایان بندی زیبا و هنرمندانه می‌رسد که: همیشه تاشب و روز است عید روزی باد هزار عیدت و عیدیت باد هر روزه مولانا خاندن‌گار سرودن از این عید بزرگ است و شعرهای فراوان و البته بسیار پرشوری هم برای این عید دارد. در غزل‌های دیوان شمس که بر است از



برش



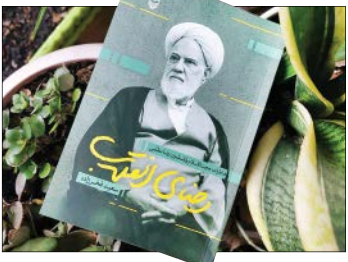
مضمون آفرینی‌های سبک هندی

شاعران سبک هندی همیشه به مضمون یایی و دقت در ریزه‌کاری‌های تصویری مشهور بوده‌اند، شعرهای عید فطری آنها هم این خصیصه را دارد. مثلاً کلیم همدانی هلال ماه در شب عید را به دست‌هایی گشوده‌شده برای اغوش وداع ماه رمضان تشبیه کرده است: هلال عید بغل در وداع روزه‌گشاد صلاح و تقوا یا در کباب عزل نهاد

گذشت موسم شبگیر طاعت و باید سحور را به صبوحی بدل کنند، عباد صائب‌تبریزی که باید او را مشهورترین شاعر سبک هندی نامید، غزلی زیبا دارد که در آن برخلاف بسیاری از شعرهای شاد و شادانه فطری، لحن شاعر اندوه‌مند است. او از زاویه جدیدی به این عید نگریسته است و به جای شادمانی حلول عید، افسوس پایان یافتن روزهای پرپرکت ماه رمضان را می‌خورد: افسوس که ایام شریف رمضان رفت سی عید به یک مرتبه از دست جهان رفت افسوس که سی پاره این ماه مبارک از دست به یکبار چو اوراق خزان رفت

ماه رمضان حافظ این گله بد از گزگ فریاد که زود از سر این گله شبان رفت... تا جایی که شعر را با چنین اغراق شاعرانه‌ای به پایان می‌برد: از رفتن یوسف نرود بر دل یعقوب آن‌ها که به صائب ز وداع رمضان رفت امیر خسرو دهلوی، شاعر پارسی‌گوی هند هم در این معنا غزلی آبدار سروده است: بگشاد صبح عید ز رخ چون نقاب را بنمود ساقی آن رخ چون آفتاب را اینک رسید وقت که مردان آب‌کار گردان کنند هر طرفی کار آب را ساقی، از آن دو چشم که در بند خفتن است

تا ۲۹ دی ۱۳۹۵ در ۱۳ جلسه انجام شده و پس از پیاده‌سازی، ضمن انطباق با اسناد و مدارک و تأیید راوی در انتشارات سوره مهر به چاپ رسیده است. به گزارش جام جم، کتاب رضای انقلاب به همت دفتر ثبت و تدوین دستاورد‌های انقلاب اسلامی حوزه هنری در ۳۳۵ صفحه با شمارگان ۱۲۵۰ نسخه و با قیمت ۲۹۰ هزار تومان در بازار نشر موجود است.



شور و شادمانگی عارفان واصل، شادی و شیرینی عید بندگی بارها تصویر شده است. مولانا در غزلی می‌گوید:

بگذشت مه روزه عید آمد و عید آمد بگذشت شب هجران معشوق پدید آمد آن صبح جو صادق شد عذرای تو و اواق شد معشوق تو عاشق شد شیخ تو مرید آمد شد جنگ و نظر آمد، شد زهر و شکر آمد شد سنگ و گهر آمد، شد قفل و کلید آمد و البته این غزل مشهور و بسیار زیبا که: عید آمد و عید آمد و ان بخت سعید آمد بگیر و دهل می‌زن کان ماه پدید آمد...

روزهداران ماه نو بینند و ما ابروی دوست

سعدی شیرین سخن، غزل دلپذیر دیگری با گویشه چشم به عید فطر دارد که مضمون عاشقانه‌اش با تصویر ماه و عید گره خورده است: به بوی آن که شبی در حرم بیاسانید هزار بادیه سهلست اگر ببیمانید طریق عشق جفا بردن است و جانبازی دگر چه چاره که با زورمند برنایند اگر به بام برآید ستاره پیشانی چو ماه عید به انگشت هاش بنمایند...

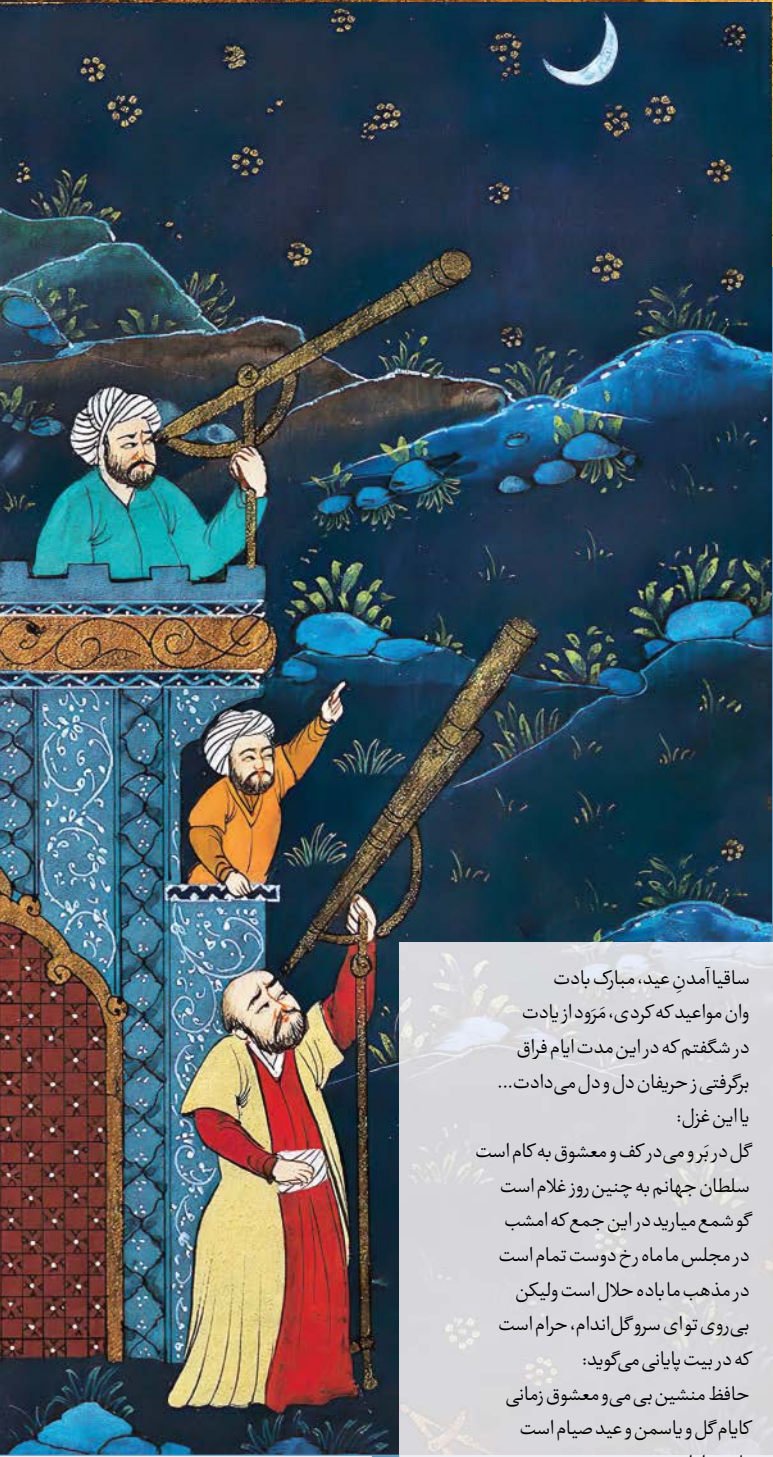
سعدی هم مضمون آفرینی با ماه و عید را به صورت زیبایی انجام داده است. او تنها به تناسب میان ماه و عید بسنده نکرده است، بلکه تناسب تصویری ماه نو و ابرو را هم مد نظر قرار داده و چنین بیت زیبایی آفریده است: دیگران را عید اگر فرداست ما را این دم است روزه داران ماه نو بینند و ما ابروی دوست

سلطان عید و ماه

حافظ شاعر شیرین سخن شیرازی هم که همچون سعدی به دانش‌های روزگار مسلط است و علاوه بر آن، خود حافظ قرآن است در شعرهایش به صورتی هنرمندانه به موضوع عید فطر پرداخته است. در شعر او شادی و خروشی زندانه از حلول عید موج می‌زند:

روژه یک سوس شد و عید آمد و دل‌ها پر خاست می ز خمخانه به جوش آمد و می باید خواست حافظ را می‌توان سلطان مضمون‌یایی با کلیدواژه‌های عید و ماه دانست. چند نمونه از این شیرین‌کاری‌های حافظانه را مرور کنیم: جهان بر ابروی عید از هلال وسمه کشید هلال عید در ابروی یار باید دید با این بیت که خناس ماه و شاه و هم حرفوی حرف را، بیتی شیرین آفریده است: عید است و آخر گل و یاران در انتظار ساقی به روی شاه ببین ماه و می بیار شاید زیباترین بازی حافظ باز ترکیب ماه و عید و البته با گویشه چشمی به تناسب‌های دیگری چون ابرو و وسمه را در این غزلش بتوان دید: جهان بر ابروی عید از هلال وسمه کشید هلال عید در ابروی یار باید دید شکسته گشت چو پشت هلال قامت من کمان ابروی یارم چو وسمه باز کشید... چو ماه روی تو در شام زلف می‌دیدم شیم به روی تو روشن چو روز می‌گردید به لب رسید مرا جان و پر نیامد کام به سر رسید امید و طلب به سر نرسید ز شوق روی تو حافظ نوشت حرفی چند بخوان ز نظمش و در گوش کن چو مروارید اگر به سیر در دیوان خواجه شیراز ادامه دهیم باز هم غزل‌های پرشوری در تهنیت عید فطر می‌بینیم که بسیاری از آنها را همگان در خلوت خود بارها زمزمه کرده‌اند، از جمله این غزل‌ها:

صد چشم‌بندی است که آموخت خواب را عید مبارک آمد و از بهر دوستان ساقی نکرد شیشه پر و ز گلاب را... به این مضمون یایی زیرکانه حزین لاهیجی، شاعر سبک هندی دقت کنید که گفت: به یک ایما ی ابرو زنده جاوید گردیدم اشارت سوی من کردی هلال عید گردیدم و باز هم سلیم تهرانی، شاعر سبک هندی که این بار در تصویرش هلال عید را به شمشیر برهنه تشبیه کرده است: جدا ز ابروی او در نظر سلیم مرا هلال عید، کم از تیغ بر فراخته نیست



ساقیا آمدن عید، مبارک بادت وان مواعید که کردی، مُزود از یادت در شگفتم که در این مدت ایام فراق برگرفتی ز حریفان دل و دل می‌دادت... با این غزل:

گل در تو می‌در دلف و معشوق به کام است سلطان جهانم به چنین روز غلام است گو شمع میارید در این جمع که امشب در مجلس ما ماه رخ دوست تمام است در مذهب ما باده حلال است ولیکن بی‌روی تو ای سر و گل اندام، حرام است که در بیت پایانی می‌گوید:

حافظ منشین بی‌می و معشوق زمانی کایام گل و یاسمن و عید صیام است باز هم از او:

بیا که تُرک فلک خوز روزه غارت کرد هلال عید به دور قحاح اشارت کرد ثواب روزه و حج قبول آن کس برد که خاک میکده عشق را زیارت کرد...

فطر در نگاه معاصران

احتمالاً این بیت مشهور را همه شما شنیده‌اید که: عید رمضان آمد و ماه رمضان رفت صد شکر که آمد این صد شکر که آن رفت و شاید ندانید که این بیت، متعلق به میرزا حبیب قائمی شاعر درباری دوران قاجار است. بیت مشهور بالا، بیت اول قصیده‌ای است که قائمی در شادباش عید فطر و خطاب به ممدوحش محمدشاه قاجار سروده است و انصافاً وقتی بقیه قصیده را می‌خوانیم، می‌بینیم بیت‌های بعدی هیچ‌کدام به زیبایی و روانی این بیت نیست.

از میان شاعران معاصر حبیب‌ا... چایچیان که همگان او را به خاطر سرودن چندین شعر آیینی موفق به خاطر دارند، در غزلی با وزن کوتاه و وزنی شادانه، سروده است: عید فطر است و اول شوال نور عشق است و شور و جذبه و حال بهر توفیق درک ماه خداست قلب‌ها ز نشاط، مالا مال... و سرانجام در پایان به این بیت می‌رسد که: ماه غفران و ماه توحیدی ماه قرآن و ماه احمد و آل

در میان معاصران باید از رباعی زیبایی قیصر امین پور در این مناسبت هم یاد کرد که گفت: عید است و دلم خانه ویرانه بیا این خانه تکاندیم ز بیگانه بیا یک ماه تمام میهمانت بودیم یک روز به مهمانی این خانه بیا

علیرضا قزوه هم به این مناسبت غزلی دارد با ردیف رمضان که به‌عنوان حسن ختام این مطلب آن را مرور می‌کنیم: آدمید از سفر دور و دراز رمضان بی‌تدریم به زیبایی راز رمضان هرچه جان بود سپردیم به آواز خدا هرچه دل بود شکستیم به ساز رمضان سر به آیینۀ «الغوث» ددم در شب قدر آب شد زمزمه راز و نیاز رمضان دیدم این «قدر» همان آینه «خلصتا» ست دیدم آیینۀام از سوز و گداز رمضان بیش از این ناز نخواهم کشید از دنیا بعد از این دست من و دامن ناز رمضان نکند چشم‌بندم به سحرهای سلوک نکند بسته شود دیده باز رمضان صبح با باده شعیان و رجب آمده بود آن‌که دیروز مراداد جواز رمضان شام آخر شد و با گریه نشستیم به وداع خواب دیدم نرسیدم به نماز رمضان

